



انقلاب اسلامی و راهبرد عدم تعهدگرایی جهانی؛ از نظر تا عمل

محمدحسین جمشیدی

عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

jamshidi@modares.ac.ir

چکیده

انقلاب اسلامی ایران با الهام از مکتب اسلام و جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی در ربع آخر سده بیستم میلادی با نفی نظام‌های فکری و سیاسی موجود به پیروزی رسید. لذا مهم‌ترین ویژگی آن عدم‌تعهدگرایی جهانی است که در این نوشتار متکی بر داده‌های کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی- نظری موردبررسی قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق بیانگر این است که عدم‌تعهدگرایی جهانی در سیاست انقلاب اسلامی ایران، در اصل بی‌طرفی فعال و مثبت است که در عین نفی تعهد در برابر قدرت‌های مسلط، نوعی ائتلاف و پیوستگی جهانی را برای جلوگیری از بحران‌های بین‌المللی و مبارزه با ستم و سلطه می‌رساند. بر همین اساس اصول عدم‌تعهدگرایی جهانی انقلاب اسلامی در بعد نظری شامل نفی سیاست‌های سلطه‌محور، استقلال، خودکفایی، سیاست نه شرقی - نه غربی، تعهد در برابر جوامع برابر و هم‌آرمان و استکبارستیزی است که طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در عمل در قالب پیروزی انقلاب اسلامی، صدور ارزش‌های انقلابی، حضور فعال در جنبش عدم‌تعهد، حمایت از حرکت‌های آزادی‌بخش، مقابله با استکبار جهانی، اسرائیل‌ستیزی، نقش فعال در تحولات منطقه‌ای و حمایت از مستضعفان، نفی سلطه‌طلبی و رد تعهد در برابر غرب و عوامل آن تحقق یافته است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، امام خمینی^(ع)، عدم‌تعهدگرایی جهانی، نظر، عمل

۱. مقدمه و بیان مسئله

تاریخ زندگانی بشر بر روی زمین، آکنده از دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی است. دگرگونی‌هایی که گاه تغییرات اساسی را در سبک زندگی بشر یا در نگرش او یا در محتوای حرکتش ایجاد کرده‌اند. یکی از این تحولات اساسی «انقلاب» است که تمام عرصه‌های وجودی جامعه را در می‌نوردد و دگرگونی همه‌جانبه در آن ایجاد می‌کند. انقلابات باهدف دگرگونی اساسی در نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و کنش‌های سیاسی و اجتماعی بشر صورت گرفته‌اند و لذا پدیده‌ای رهایی‌بخش قلمداد می‌شوند. یکی از انقلاباتی که با پیشینه فرهنگی و بومی و مدد گرفتن از مکتب اسلام و قوانین الهی (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳/۲۴۷) و «منطبق بر جهان‌بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت» (عمید زنجانی، ۱۳۷۶: ۲۱) در ربع آخر قرن بیستم میلادی صورت گرفت و «اسلام را به‌عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی مجدداً احیاء» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۳) کرد و سیاست‌های جهانی را با چالشی عظیم و بنیادین مواجه ساخت انقلاب اسلامی ایران بود.

مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران ارائه یک جهان‌بینی متعالی مستقل و ایجاد نظامی مبتنی بر آن در عالم سیاست بود؛ یعنی ارائه راهی نو که با توجه به شرایط و مقتضیات زمانه در نوع خود بی‌نظیر بود؛ زیرا محوریت اصلی هدف‌گیری آن متوجه مردم و تشکیل حزب مستضعفین (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۷/۸) و زمینه‌سازی حکومت جهانی مستضعفین به رهبری حضرت مهدی (عج) (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵/۲۱۲) در جهان بود. امام خمینی^(۵) هدف انقلاب اسلامی را خارج شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و درنهایت «شکست ابرقدرت‌ها» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳/۱۹۷) می‌داند. این ویژگی منحصر به فرد در قالب «نظریه عدم‌تعهدگرایی جهانی» انقلاب اسلامی در مقابل دو مکتب فکری - سیاسی مسلط در جهان آن روز یعنی لیبرالیسم و سوسیالیسم و به لحاظ سیاسی دو بلوک غرب و شرق مطرح می‌باشد؛ بنابراین انقلاب اسلامی ایران برخلاف دو نگرش مسلط، طرح نویی را مبتنی بر نگرش دو ساحتی (دنیا - آخرت، دین - سیاست و...) برآمده از حکمت سیاسی اسلامی و به بیانی تفکر ناثنویت‌گرایانه صدرایی (افروغ، ۱۳۹۴: ۹۹) مطرح کرد. به بیان امام خمینی^(۶): «انقلاب ما عظیم است و متکی به هیچ قدرتی نیست نه قدرت شرق و نه قدرت غرب، انقلاب‌هایی که در دنیا می‌شود به یکی از این دو ابرقدرت متکی است ولی انقلاب مردم ما انقلابی است متکی به خود مردم» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۲/۱). بر همین مبنا در

این نوشتار، این ویژگی مهم انقلاب اسلامی ایران یعنی راهبرد عدم‌تعهد‌گرایی جهانی در عرصه نظریه و عمل با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و رویکرد توصیفی - تحلیلی با تکیه بر ابعاد نظری بحث، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب مفهومی: نظریه عدم‌تعهد‌گرایی

۱.۲. طرح عدم‌تعهد‌گرایی جهانی

عدم‌تعهد‌گرایی^۱ جهانی، نظریه‌ای است که در عرصه سیاست جهانی و به‌صورت خاص پس از جنگ جهانی دوم در فضای نظام دوقطبی مطرح گردید. انعقاد پیمان «یالتا» در پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ میلادی، باعث ایجاد نظام دوقطبی جهانی با مرکزیت ایالات‌متحده آمریکا و اتحاد شوروی گردید و بدین ترتیب دنیا به مناطق تحت نفوذ این دو قدرت تقسیم شد (کنت، ۱۳۶۵: ۱۳-۱۶۰). پس جهان عملاً از نظر سیاسی حرکت خود را به‌سوی ایجاد نظامی دوقطبی، با توجه به سلطه نگرش لیبرالیسم آمریکایی و سوسیالیسم شوروی آغاز کرد. در این فضا بسیاری از جوامع جهانی با این پرسش مواجه شدند که برای بقا و تأمین امنیت خویش چه راهی را برگزینند. در برابر چنین پرسشی برخی از کشورها که نفع آینده خویش را در همراهی با غرب می‌دیدند راه تعهد در برابر غرب به مفهوم «وابستگی نظامی و امنیتی و سیاسی» را انتخاب کردند. مجموع این جوامع به رهبری آمریکا، بلوک غرب را مبتنی بر اندیشه لیبرالیستی^۲ که در عمل توانسته بود «به حذف نوعی از ستم‌ها و بیدادگری‌های موجود در حیات اقتصادی و حکومت دیکتاتوری در حیات سیاسی و جمود کلیسایی در زندگانی فکری مبادرت نماید» (صدر، ۱۴۰۸: ۱۳) تشکیل دادند. برخی دیگر از جوامع نیز، با تکیه بر سوسیالیسم به لحاظ سیاسی و امنیتی وابستگی به اتحاد شوروی را بر مبنای نفی سرمایه‌داری و تحقق جامعه سوسیالیستی (صدر، ۱۴۰۸: ۲۴) مورد توجه قرار دادند و بر همین مبنا قطب شرق را در عرصه بین‌الملل به وجود آوردند.

در مقابل این‌ها، جوامع دیگری بودند که با توجه به طعم تلخ جنگ‌های جهانی و سلطه استعمارگران در پی تلاش برای رهایی از وابستگی نظامی و امنیتی به قدرت‌ها

1. non- commitment, non -alignment

2. Liberal Thought

و مراعات بی‌طرفی در بحران‌های بین‌المللی بودند. اینان در این راستا، سیاست عدم‌تعهدگرایی را که به‌نوعی بیانگر راه سوم در عرصه بین‌الملل بود، انتخاب و مبنای سیاست داخلی و خارجی خود قرار دادند.

۲.۲. مفهوم عدم‌تعهدگرایی جهانی

عدم‌تعهدگرایی مرکب است از سه واژه «تعهد»، «عدم» و «گرایی». تعهد مصدر باب تفاعل عربی از عهد و در لغت به معنای التزام، تقبل، عهده‌داری، ضمان، مسئولیت و... (ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق: ۳۱۳/۳-۳۱۴ و آذرنوش، ۱۳۷۹: ۴۶۶ و...) و نیز در زبان فارسی به معنای تعلق خاطر، وابستگی، احساس مسئولیت، برخورداری از عهد و پیمان، سرانجام کار کسی به ذمه خود گرفتن، شرط و عهد و ... ضمانت و... است (دهخدا، ۱۳۸۸: تعهد)؛ و از همین روی تعهدکردن به معنای به‌گردن‌گرفتن کاری ... عهد بستن (معین، ۱۳۷۶: ۱۱۰۵/۱) تعهدسپردن، متعهدشدن، ضامن‌شدن، عهده‌دارشدن است؛ بنابراین تعهد در اصل به مفهوم برعهده‌گرفتن کاری در ارتباط با دیگری یا پذیرش مسئولیت کاری در برابر او و ملتزم بودن برای دیگری است. در سیاست نیز تعهد به مفهوم پذیرش مسئولیت و ضمانت یا قبول التزام نسبت به چیزی یا امری در برابر طرف مقابل است؛ زیرا سیاست اساساً کنشی و دوطرفه و دوجانبه است (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۷۹) است. از این‌رو نوعی تعلق خاطر و پیوستگی و احساس مسئولیت از سوی تعهد‌دهنده (متعهد) و نوعی نفوذ و سلطه از سوی تعهد‌گیرنده (متعهد) را به دنبال دارد.

واژه عدم نیز به معنای فقدان و نیستی است (دهخدا، ۱۳۸۸: عدم) در نتیجه عدم‌تعهد به معنای فقدان و نداشتن تعهد و التزام و پیمان نسبت به طرف دیگر می‌باشد و عدم‌تعهدگرایی بیانگر باور و اعتقاد به اندیشه عدم‌تعهد و نامتعهد بودن در برابر دیگری است. در انگلیسی معادل عدم‌تعهد به‌صورت زیر آمده است که بیانگر نداشتن التزام نسبت به کسی یا چیزی است:

a lack of dedication or commitment to something

در سیاست و روابط بین‌الملل عدم‌تعهد یا ناپیوستگی، خودداری کشور یا کشورهایی از جانب‌داری از هریک از دو گروه اصلی قدرت در جهان (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۳۰) است. در روند تاریخی کاربرد مفهوم عدم‌تعهد از سوی غیرمتعهدها در اولین اسناد منتشر

شده از سوی آن‌ها واژه انگلیسی «نان-کامیتمنت»^۱ که معنای دقیق عدم‌تعهد و فقدان التزام را دارد بکار رفته است؛ اما در سال‌های بعد واژه «نان-الاین‌منت» که به معنای عدم‌وابستگی است توسط این نهاد بکار رفته است (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۱۹). البته باید دانست که عدم‌تعهد در سیاست به معنای کناره‌گیری یا انزوا نیست همان‌گونه که به معنای عدم‌وابستگی - به مفهوم سیاسی و در معنای دقیق کلمه - نیست، بلکه نوعی بی‌طرفی فعال و مثبت است که در عین نفی تعهد در برابر قدرت‌های مسلط، نوعی ائتلاف و پیوستگی را در جهت جلوگیری از بحران‌های بین‌المللی می‌رساند. به بیانی: «عدم‌تعهد بیشتر بر بی‌طرفی تکیه می‌کند تا بر کناره‌گیری و با مفهوم بی‌طرفی مثبت همراه است، یعنی شرکت فعال در سیاست بین‌المللی برای کاهش بحران‌ها و جلوگیری از دوقطبیت که خطر جنگ جهانی را در بردارد» (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۳۱)؛ بنابراین عدم‌تعهد‌گرایی همان سیاست عدم‌تعهد است زیرا گرای بی‌انگیز باور و عدم‌تعهد‌گرایی به مفهوم باور و ایمان به راهبرد عدم‌تعهد در عرصه بین‌الملل می‌باشد.

۳.۲. عدم‌تعهد‌گرایی جهانی در عمل

اصطلاح عدم‌تعهد، در فضای عصر وابستگی (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۲۱-۴۲) نخستین بار توسط لعل نهر، نخست‌وزیر هند طی نطقی در ۲۸ آوریل ۱۹۵۴ در کلمبو پایتخت سریلانکا مطرح شد (Lskar, 2004: 8). اندیشه عدم‌تعهد در عمل توسط جنبش عدم‌تعهد مورد توجه قرار گرفت و در واقع جوامعی که طعم تلخ نتایج جنگ‌های جهانی و سلطه استعماری را بیشتر چشیده بودند به‌منظور تأمین امنیت و رهایی از جنگی دیگر با تکیه بر ناوابستگی نظامی با دو بلوک قدرت، اندیشه عدم‌التزام نسبت به آن دو را مورد توجه و پذیرش قرار دادند. این جنبش با هدف رهایی از حلقه نفوذ شرق و غرب (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۲۶) توسط رهبران برگزیده این جوامع چون تیتو رهبر یوگسلاوی، نهر و نخست‌وزیر هند، عبدالناصر رهبر مصر و سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی شکل گرفت. نقطه آغاز حرکت نامتعهدان، کنفرانس کلمبو بود که در آوریل ۱۹۵۴ در کلمبو توسط گروهی از رهبران آسیایی تشکیل شد. از این‌رو، این دسته از کشورها گروهی را در صحنه‌ی بین‌المللی پدید آورده‌اند که به گروه «کشورهای غیرمتعهد» نامدار است (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۳۰). در این کنفرانس فلسفه

وجودی عدم‌تعهدگرایی به شرح زیر مطرح شد:

«عدم‌تعهد نمادی است از جست‌وجوی بشر برای صلح و امنیت ملت‌ها و تلاش برای ایجاد یک نظام سیاسی - اجتماعی و اقتصادی جدید در جهان. عدم‌تعهد نیرویی حیاتی است برای نبرد علیه امپریالیسم در همه صور و مظاهر آن و همه اشکال سلطه خارجی...» (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۱۹) سپس نخستین اجلاس گسترده ۲۸ کشور در آوریل ۱۹۵۵ در باندونگ اندونزی تشکیل گردید که وجه مشخصه اصلی شرکت‌کنندگان توسعه‌نیافتگی بود. وحدت و اشتراک نظر اعضاء در این خصوص موجب شد که آن را کنگره فراموش‌شدگان تاریخ بنامند.

بنابراین مهم‌ترین نهاد جهانی عدم‌تعهدگرایی، جنبش عدم‌تعهد یا جنبش غیرمتعهدهاست که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد و در فضای نظام دوقطبی در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی، تأسیس شد و شامل کشورهای می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی وابستگی و تعهدی نداشتند. این سازمان با پایان جنگ سرد نیز به فعالیت خود ادامه داده اصول جنبش عدم‌تعهد عبارت‌اند از:

احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر،

برابری و منافع متقابل،

عدم‌تجاوز به یکدیگر،

همزیستی مسالمت‌آمیز،

عدم‌دخالت در امور داخلی یکدیگر (کاول، ۱۳۶۵: ۳۶).

البته در منشور باندونگ علاوه بر اصول پنج‌گانه بالا- مطرح در اجلاس کلمبو- ۵ اصل دیگر شامل احترام به حقوق بشر، احترام به حق ملت‌ها و دفاع فردی یا جمعی، خودداری از بکارگیری نیروهای دفاعی جمعی به‌منظور خدمت به یک قدرت بزرگ، حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی از طرق صلح‌آمیز، ارتقای منافع متقابل و احترام به عدالت و تعهدات بین‌المللی نیز اضافه‌شده است (Meeting of, 2011).

بنابراین همان‌گونه که نهره در اجلاس بری‌بونی اعلام کرد (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۴۱) هدف ایجاد بلوک سومی در برابر دو بلوک نبود بلکه هدف فعالیت سیاسی ناملتزم به دو بلوک برای صلح و امنیت و توسعه بود (Ohlson, 1988: 198)؛ یعنی تحقق عدم‌تعهدگرایی در عمل. هرچند عدم‌تعهدگرایی واقعی در عمل تحقق پیدا نکرد و جنبش به دلایلی چون فقدان انسجام و وحدت مؤثر، نفوذ قدرت‌های بزرگ در آن، اولویت منافع فردی نسبت به

منافع جمعی، دنباله‌روی از سازمان ملل متحد و... بتدریج به‌سوی محافظه‌کاری حرکت کرد به‌گونه‌ای که جوامع غیر متعهد امروزه تنها نامی از عدم‌تعهد بر خود دارند و نقش فعالی در عرصه نظام بین‌الملل ندارند.

۳. انقلاب اسلامی و عدم‌تعهدگرایی در نظریه

بدون تردید یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی ایران، اصل استقلال است. این اصل ارتباطی تام با نظریه عدم‌تعهدگرایی دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری: «استقلال یعنی اینکه ملت و دولت ایران مجبور نیستند تحمیل قدرت‌های بیگانه را قبول کنند» (خامنه‌ای در: <http://www.masjed.ir/2989>) بعلاوه نفی سلطه استکباری که از عناصر مهم ارزشی انقلاب محسوب می‌گردد نیز مرتبط با نگرش عدم‌تعهد در برابر نظام جهانی است (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۲۱/۲۱) این نگاه قطب‌بندی جهان به مستکبران و مستضعفان را به دنبال داشت که هدیه انقلاب ایران به جهانیان محسوب می‌شود. به تعبیر راشد الغنوشی «مهم‌ترین هدیه‌ای که انقلاب ایران به ما داد، مقوله مبارزه میان مستضعفان و مستکبران بود...» (دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۲۸) نفی هر نوع ایدئولوژی غیر اسلامی و ارائه راه سوم در جهان دو نگرشی عصر دوقطبی و شعار مهم نه شرقی نه غربی بیانگر سیاست عدم‌تعهدگرایی در عرصه جهانی است. جالب این است که به بیانی این گفتمان در جهان اسلام «در کار برجسته‌سازی خویش و به حاشیه راندن گفتمان‌های متخاصم همچون: سنتی و یا غربی ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم و سلطانیسم، توفیقات قابل توجهی یافته است» (دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۵۳). در ادامه این موضوع از منظر امام خمینی^(ع) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی به‌مثابه بالاترین سند سیاسی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳.۱. امام خمینی^(ع) و اندیشه عدم‌تعهدگرایی

امام خمینی^(ع) در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نگرش عدم‌تعهد را در برابر بلوک‌های قدرت و نظام سلطه جهانی مورد توجه قرار داد. او از یکسو نامتعهد بودن را در برابر تعهد نسبت به اسلام و حق می‌داند و از سوی دیگر بر استقلال و نفی وابستگی از هر نوعی تأکید دارد. او درباره جنبش عدم‌تعهد، تقابل تعهد به خود و عدم‌تعهد به غیر را در قالبی عام یعنی تعهد نسبت به اسلام و خود و عدم‌تعهد نسبت

به قدرتهای بزرگ را مورد توجه قرار داده است: «این کنفرانسی که سران اول در سابق تأسیس کردند، افراد بسیار متعددی به اسلام و به کشورهای خودشان بودند و غیرمتعهد نسبت به قدرتهای بزرگ» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۶۱/۱۷). از سوی دیگر در همین پیام به حقیقت امر و لزوم تفکیک این دو در عرصه نامتعهد بودن توجه دارد و قائل است که نامتعهد نامیده شدن غیر از نامتعهد بودن است. لذا در عین تأیید سیاست عدم تعهدگرایی در سیاست جهانی می‌فرماید: «از کارهایی که باید این کنفرانس غیرمتعهدین انجام بدهند که در رأس همه کارهاست و باید بعدها هم این مطلب را انجام بدهند، این است که اول متعهد و غیرمتعهد را از هم جدا کنند...» (همان).

در اندیشه امام خمینی^(ع) زوج واژه‌های تعهد و عدم تعهد با زوج واژه‌های وابستگی و استقلال معنا می‌یابد. در نگاه او وابستگی نه تنها مانع کار برای خود و استقلال است بلکه اساساً مغایر عدم تعهد است زیرا وابستگی تعهدآور است و در مقابل استقلال به مفهوم حقیقی خود نافی تعهد و مؤید عدم تعهدگرایی است؛ زیرا مستقل بودن زمینه‌ساز کار کردن برای خود و تعهد در برابر ملت و جامعه خود است.

او در این خصوص تأکید می‌کند: باید اول این کشورهای غیرمتعهد، این کشورهایی که می‌خواهند مستقل باشند... اول تصفیه کنند... از عناصری که این‌ها به اسم غیرمتعهد وارد می‌شوند و می‌خواهند خدمت کنند یا به آمریکا که اکثراً این‌طورند یا به شوروی. (همان) در همین ارتباط در عین اینکه جوهر عدم تعهد را ناوابستگی و عدم التزام در برابر بیگانه می‌بیند نقطه مقابل عدم تعهد را تعهد می‌داند و لذا در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل دو نوع سیاست از این حیث ممکن است: تعهد و لا تعهد (همان).

در اندیشه امام خمینی^(ع) عدم تعهدگرایی دو بعد دارد: بعد ایجابی (مثبت) و بعد سلبی (منفی). در بعد سلبی نفی هرگونه تعهد و التزام نسبت به قدرتهای خارجی مطرح است یعنی بی‌طرفی مثبت و نپذیرفتن هیچ‌گونه مسئولیت و التزامی در مقابل بیگانه. در بعد ایجابی نیز فعال بودن و در صحنه بودن مثبت مطرح است یعنی ایستادگی و مقابله در برابر قدرتهای بزرگ. او در بیانی این دو بعد عدم تعهدگرایی را این‌گونه بیان می‌کند:

«باید در رأس امور این باشد که این‌ها کنار بروند و خودتان بنشینید، همان‌طور که

ایران دستش را پیش هیچ‌کس دراز نمی‌کند و نکرده است در این چندسال مستقل ایستاده است و زن و مردش ایستاده است در مقابل آمریکا و در مقابل شوروی و در مقابل هر متعدّی. این‌ها غیرمتعهدند واقعاً...» (همان).

از سوی دیگر باید دانست که عدم‌تعهد موردنظر امام فراگیر و همه‌جانبه است یعنی صرفاً نظامی یا سیاسی نیست بلکه تمام ابعاد زندگی را در برمی‌گیرد و در این میان عدم‌تعهد فرهنگی اهمیت بیشتری دارد و تعیین‌کننده‌تر است. لذا تأکید می‌کند: «اگر یک‌جایی باشد که بگویند که ما تعهد نظامی نداریم؛ اما تعهد فرهنگی داشته باشند، تعهد فرهنگی بدتر از تعهد نظامی است، وابستگی است نه تعهد. آن‌ها هم که می‌گویند تعهد و لا تعهد، اصلاً شما وابسته هستید و غلام حلقه‌به‌گوش این‌ها، بعضی از این‌ها هستند» (همان) و در ادامه نیز همه‌جانبه بودن عدم‌تعهد‌گرایی جهانی را این‌گونه مورد توجه قرار داده است: «باید شما غیر متعهد و غیر وابسته باشید، در صنعت، در فرهنگ، در همه اموری که یک کشوری احتیاج به آن دارد؛ اگر این‌طور شد غیرمتعهد می‌شوید و می‌توانید سرپای خودتان بایستید.» (همان) فلسفه عدم‌تعهد‌گرایی مورد نظر امام خمینی^(ع) برآمده از نظریه اسلامی تعارض حق و باطل و استضعاف و استکبار است؛ زیرا «جهان‌بینی امام خمینی^(ع) استوار بر جنگ قدرت میان مستضعفین و مستکبرین بوده است» (Martin, 2003: 106-107). از نظر او، جهان صحنه نبرد دو جبهه حق و باطل و استضعاف و استکبار است. در این نبرد، جبهه استکبار همواره می‌کوشد تا با سست کردن بنیادهای اعتقادی مردم جهان آنان را تحت سلطه خویش درآورد، اما پیروزی نهایی از آن مستضعفین. عدم‌تعهد در بعد ایجابی یعنی مقابله با جبهه استکبار: «باید این نهضت در تمام عالم - نهضت مستضعف در مقابل مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف [باشد] ... وعده الهی که مستضعفین را شامل است، می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آن‌ها امام بشوند در دنیا و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصب‌اند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۲/۷).

برجسته‌ترین تعبیر از سیاست عدم‌تعهد‌گرایی جهانی در زبان امام خمینی^(ع) سیاست نه شرقی و نه غربی است که جوهره و ماهیت نظریه عدم‌تعهد‌گرایی جهانی مورد نظر امام را آشکارا برملا می‌سازد. به بیانی: «عدم‌تعهد و یا سیاست نه شرقی نه

غربی از مفاهیم جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی سرچشمه گرفته و در چارچوب همین سیاست، نقش‌ها و اهداف سیاست خارجی ایران فهم شده است» (Kamrava and Dorraj, 2008: 96). بنیاد شرعی این نگرش در قالب نفی دوگانه قرآنی «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (حمد: ۷) قرار دارد و لذا عدم تعهدگرایی نمود راه یا صراط مستقیم است. دقت شود: «اگر انحراف داشته باشیم، چه به چپ و چه به راست، چه طرف چپ که تعبیر به مغضوب علیهم شده است و چه طرف راست که تعبیر به ضالین شده است در مقابل طریق مستقیم و صراط مستقیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹/۵۱۳)؛ و یا در بیانی دیگر به قاعده قرآنی نفی سبیل اشاره دارد: «ما منطلقان، منطلق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد» (همان: ۹۱/۴).

امام خمینی^(ع) ارتباط عمیق این شعار با انقلاب اسلامی و ماهیت سیاست عدم تعهدگرایی را این‌گونه به ترسیم می‌کشد: «شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به‌عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد» (همان: ۳۱۹/۲۰).

بنابراین در اندیشه امام خمینی^(ع)، انقلاب اسلامی ایران در نظر متکی بر نگرش عدم تعهدگرایی جهانی به مفهوم حفظ استقلال و نفی وابستگی و نبود التزام و تعهد در برابر قدرت‌ها و بی‌طرفی مثبت و حضور فعال برای مبارزه با استکبار و سلطه‌طلبی در سیاست جهانی است که در عین ذو ابعاد بودن متکی بر اصول بنیادین کلامی و فقهی اسلام می‌باشد. در واقع منطلق انقلاب اسلامی در سیاست خارجی و در روابط بین‌الملل منطلق عدم تعهد مثبت، فراگیر و فعال است و این امر اختصاص به نظام دوقطبی ندارد بلکه در هر عصری از ضروریات انقلاب و اسلام محسوب می‌گردد.

۲.۳. قانون اساسی و عدم تعهدگرایی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عصاره دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی و آرمان‌های مردم ایران در فضای پیروزی انقلاب و مهم‌ترین سند ماندگار انقلاب اسلامی است. از این‌رو برای شناخت ابعاد و ویژگی‌های انقلاب اسلامی رجوع به قانون اساسی ضروری به نظر می‌رسد. هرچند سیاست عدم تعهد در فصل ده قانون اساسی

به صراحت و تحت عنوان «عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر» (قانون اساسی، اصل ۱۵۲) به‌مثابه پایه‌ای برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی مطرح شده، اما عدم‌تعهدگرایی جهانی در جای‌جای قانون اساسی و تحت عناوین گوناگونی چون نفی وابستگی، استقلال، نه شرقی نه غربی، استکبارستیزی و... مورد توجه قرار گرفته است. در مقدمه قانون اساسی، در تبیین انقلاب اسلامی آن را حرکتی برای پیروزی مستضعفان بر مستکبران قلمداد می‌کند:

«قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (قانون اساسی: مقدمه).

در اصل دوم عدم‌تعهدگرایی را در قالب نفی ستم و سلطه تبیین می‌کند: «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (اصل ۲) و در سومین اصل ضمن تأکید بر طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل ۳: بند ۵) تقویت کامل بنیه دفاعی برای حفظ استقلال (اصل ۳: بند ۱۱) و تأمین خودکفایی (همان) را مورد توجه قرار می‌دهد. در بند ۱۶ همین اصل از تعهد سخن به میان می‌آورد؛ اما تعهد مورد نظر قانون اساسی اولاً برادرانه است و ثانیاً نسبت به مسلمانان و مستضعفان است: «...تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.» (اصل ۳، بند ۱۶) لذا در اینجا عدم‌تعهدگرایی در چهره ایجابی آن یعنی تعهد با نامتعهدان مطرح شده است. همین مسئله در اصل یازدهم در قالب اتحاد ملل اسلامی و جهان اسلام مورد تأکید قرار گرفته است (قانون اساسی: اصل ۱۱).

در اصل نهم بر استقلال و تمامیت ارضی تأکید ویژه‌ای شده است. همین موضوع در اصل ۱۴۳ به‌عنوان وظیفه ارتش مورد توجه قرار گرفته است. در اصل ۱۵۰ نیز بر نقش سپاه پاسداران در نگرهبانی از انقلاب تأکید شده است. اصول ۱۴۵، ۱۴۶ و ۱۵۱ نیز هرکدام به گونه‌ای بر لوازم عدم‌تعهدگرایی تأکید کرده‌اند؛ اما مهم‌ترین بخش قانون اساسی در مورد عدم‌تعهدگرایی فصل دهم این قانون است که بر موارد زیر تأکید کرده است:

- ۱- نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری
- ۲- حفظ استقلال همه‌جانبه
- ۳- تمامیت ارضی کشور
- ۴- دفاع از حقوق همه مسلمانان
- ۵- عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر
- ۶- حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان (اصل ۱۵۴)

بنابراین در قانون اساسی سیاست عدم‌تعهدگرایی به‌وضوح و در دو بعد سلبی یعنی فقدان تعهد در برابر قدرت‌های دیگر و نفی استکبار و وابستگی و ایجابی در قالب تعهد نسبت به غیرمتعهدان و مبارزه با استکبار و سلطه‌طلبی و حمایت از مستضعفان مورد تأکید قرار گرفته و بلکه عدم‌تعهدگرایی به‌مثابه نفی هرگونه ستمگری در عرصه جهانی در قالب آرمان تحقق حکومت مستضعفین در زمین و بر اساس آیه: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ...» (نور: ۵۵) به‌عنوان اساس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مطرح شده است.

۴. اصول عدم‌تعهدگرایی انقلاب اسلامی در نظر

عدم‌تعهدگرایی جهانی به‌مثابه اصلی اساسی و تعیین‌کننده در سیاست خارجی نظام برآمده از انقلاب اسلامی و به‌عنوان رکنی از ارکان ارزشی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در نگرش انقلاب اسلامی عدم‌تعهدگرایی جهانی نظریه‌ای است که جهت‌گیری سیاست خارجی انقلاب اسلامی را به نمایش می‌گذارد. این نظریه سیاست عدم‌تعهد را به‌عنوان رکن بنیادین سیاست فرامرزی انقلاب مورد تأکید قرار می‌دهد. در چنین نگرشی عدم‌تعهدگرایی نه به معنای بی‌طرفی مطلق یا انزوا و یا بی‌توجهی به سرنوشت جوامع دیگر که به‌مثابه بی‌طرفی مثبت و حضور فعال در دو بعد سلبی - نفی تعهد در برابر ظالمان و سلطه‌طلبان و تعهد در برابر مظلومان و مستضعفان، نفی وابستگی و پذیرش استقلال، نفی ذلت و خواری در برابر بیگانه دیده می‌شود. اصول عدم‌تعهدگرایی انقلاب اسلامی در نظر عبارت‌اند از:

۱. اصل نفی سلطه (سیاست‌های جهانی سلطه محور): اولین و مهم‌ترین اصل عدم‌تعهدگرایی جهانی در انقلاب اسلامی بر مبنای شریعت اسلامی نفی سلطه محوری

است که مبنای شرعی مستحکمی در متون اسلامی مانند قاعده نفی سبیل دارد: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نسا: ۱۴۱) این اصل: از مستندات لازم‌الرعایه در حفظ عزت و سیادت مسلمانان و نفی سلطه بیگانگان است. (نساجی زواره، ۱۳۹۲: ۵۸) بر این اساس حتی هرگونه قراردادی که به زیان جامع اسلامی بسته شود، این قاعده، آن را لغو و باطل می‌کند؛ اگرچه فسخ قرارداد طبق یک قاعده فقهی دیگر مثل «...أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مائده: ۱) جایز نباشد. (حسینی ترکستانی، ۱۳۸۹: ۲۱۵) پیامبر اکرم «ص» نیز فرموده‌اند: «الاسلامُ يعلو ولا يُعلَى عَلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ هـ: ۱۴/۲۶) به بیان علامه طباطبایی این حکم تا ابد به نفع مؤمنان و علیه کافران است و برای همیشه منافقان و کفار را از رسیدن به اهداف شوم خود مأیوس کرده است (طباطبایی: ۱۸۹/۵). امام خمینی^(ع) نیز می‌فرماید:

«...اگر روابط سیاسی بین دولت‌های اسلامی و بیگانگان موجب تسلط آنان بر کشورها، شهرها یا نفوس و اموال مسلمانان یا باعث اسارت سیاسی آنان شود، برقراری این روابط و مناسبات بر زمامداران دولت‌ها حرام و پیمان‌هایی که می‌بندند باطل‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۲۹/۲).

۲. اصل استقلال: یکی از اصول مهم عدم‌تعهد‌گرایی جهانی، مسئله استقلال جامعه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصل استقلال از چنان ارج و منزلتی برخوردار گردید که حفظ استقلال وظیفه آحاد ملت و دولت و کار ویژه اصلی سیاست کشور تلقی گردید (قانون اساسی: اصل ۹). استقلال در اصل به معنای توانایی تصمیم‌گیری و اقدام آزادانه و بدون نفوذ و دخالت بیگانه در امور و تصمیمات جامعه در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی است. این اصل به‌مثابه رکن بنیادین سیاست جامعه مطرح شده است و در مورد اصل آن مناقشه‌ای وجود ندارد زیرا هم از منظر عقل و هم از منظر شرع مورد تأیید بوده و قوانین بین‌المللی نیز، آن را به رسمیت می‌شناسند. نقطه مقابل استقلال وابستگی یا پیروی از بیگانه است که به‌شدت مورد تنفر و انزجار انقلاب اسلامی قرار گرفته است. امام خمینی^(ع) مطرح کرده است: «ما می‌گوییم آقا، غلام حلقه‌به‌گوش دیگران نباشید... استقلال را حفظ کنید، تبعیت را دست بردارید» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱/۲۸۷-۲۸۸). همچنین درباره جامعه ایران پس از انقلاب می‌فرمایند:

«باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان - این

جهان‌خواران بین‌المللی - استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد.» (همان: ۲۵/۹) در انقلاب اسلامی استقلال با تعبیری چون عدم‌وابستگی، سرپیچی از تبعیت بیگانگان، نفی دخالت اجانب، عدم‌پیوستگی به غیر، قطع نفوذ بیگانگان، رها شدن از قیدوبند بیگانگان، به دست گرفتن سرنوشت و مقدرات خویش (ر.ک.: همان: ۱۶/۵) و... یاد شده است.

۳. اصل خودکفایی: اصل خودکفایی بیانگر تأمین نیازهای اساسی جامعه در داخل بدون وابستگی به بیگانگان و قدرت‌های سلطه‌طلب است. در اندیشه انقلاب اسلامی، خودکفایی بارها مورد تأکید قرار گرفته (قانون اساسی: اصل ۳، بند ۱۳) و به مثابه اصلی از اصول عدم‌تعهدگرایی جهانی پذیرفته شده است. خودکفایی نه به معنای انزوای تجاری یا اقتصادی که به معنای حضور فعال در عرصه تولید و تجارت بر مبنای بهره‌گیری از فرصت‌ها و استفاده صحیح از امکانات و توانمندی‌های داخلی است و این امری عقلانی و مورد تأیید شرع می‌باشد. خودکفایی هرچند می‌تواند در تمام ابعاد زیستی مطرح گردد اما در واقع راهی است برای رسیدن به استقلال اقتصادی.

امام خمینی^(ع) حتی محاصره اقتصادی بیگانه را هدیه‌ای می‌داند از جانب دشمن برای رسیدن به استقلال اقتصادی: «این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه‌ای می‌دانم برای کشور خودمان، برای اینکه محاصره اقتصادی معنایش این است که «ما یَحْتَاج» ما را به ما نمی‌دهند. وقتی که مایحتاج را به ما ندادند، خودمان می‌رویم دنبالش» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴/۱۱۵-۱۱۶). همچنین خطر مرعوب شدن ملت در مقابل قدرت‌های خارجی را مانعی برای استقلال اقتصادی ذکر دانسته و ضرورت اعتماد به نفس و باور به پیشرفت را بر همین اساس مطرح می‌سازد (همان: ۱۱/۲۲۲).

از نتایج بی‌توجهی به خودکفایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ایجاد روحیه‌ای خودباخته در برابر قدرتمندان، خودداری از تلاش برای نوآوری، احساس ضعف و حقارت در برابر مظاهر پیشرفت دیگران؛ تبدیل کشور به جامعه مصرفی و باقی ماندن در فقر و عقب‌ماندگی.

۴. اصل نه شرقی - نه غربی: یکی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی، همراه با جمهوری که بیانگر نوع حکومت (سیاست داخلی) است، شعار نه شرقی نه غربی (سیاست خارجی) در فضای دوقطبی بود. هرچند اصل نه شرقی نه غربی بیانگر نفی سلطه و استقلال است ولی خود مفهوم گسترده‌ای دارد و منحصر به شرق و غرب جغرافیایی

زمان دوقطبی نیست بلکه بیانگر نفی چپ‌گرایی و راست‌گرایی یا افراط و تفریط بوده و نماد راه مستقیم است. این شعار از لحاظ اهمیت قلب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بیانگر راهبرد عدم‌تعهد‌گرایی جهانی انقلاب است. به بیان امام خمینی^(ع): «آری شعار نه شرقی و نه غربی شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفان و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم‌تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که درآیند نزدیک و به یاری خدا اسلام را به‌عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرد و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد» (همان: ۱۱۴/۷).

بی‌سبب نیست که پیرامون نفوذ این شعار در مردم ایران محقق‌ی گفته است: «این شعار چنان نفوذی بر کل سیستم دارد که اگر آن را از سیستم حکومتی ایران حذف کنیم ماهیت آن را قلب کرده‌ایم...» (حضور، ۱۳۷۷) بنابراین قداست این اصل و منزلت رفیع آن به‌مثابه حفظ اصل نظام اسلامی است، بلکه حفظ این اصل در واقع حفظ هویت نظام اسلامی است: فرزندان بسیجی‌ام در این مراکز (حوزه و دانشگاه) پاسدار اصول تغییرناپذیر نه شرقی، نه غربی باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۳/۲۱).

۵. اصل تعهد در برابر جوامع برابر و هم‌آرمان: منظور از اصل تعهد در برابر جوامع برابر و هم‌آرمان در عرصه بین‌المللی رفتار دوستانه برای رسیدن به اهداف مشترک است. لذا بر مبنای اندیشه عدم‌تعهد‌گرایی انقلاب اسلامی، ما همان اندازه که نسبت به ستمگران و سلطه‌طلبان و شرق و غرب قدرتمند و استعمارگر سیاست عدم‌تعهد را پیش می‌گیریم موظفیم نسبت به جوامع مستضعف و یا هم‌عقیده - چه از منظر دین و چه از منظر سیاسی - متعهد باشیم و این امری است برآمده از نگرش اسلامی ما. بر همین اساس در نگرش انقلاب اسلامی تعهد‌گرایی نسبت به جوامع برابر و مستضعف یا هم‌عقیده امری پذیرفته است: «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» (قانون اساسی، بند ۱۶). لذا در اینجا عدم‌تعهد‌گرایی در چهره‌ایابی آن یعنی تعهد با نامتعهدان مطرح شده است. همین مسئله قانون اساسی در قالب ائتلاف و اتحاد جهان اسلام مورد توجه است (اصل ۱۱). بر همین اساس در سیاست خارجی اصل بر روابط انسانی و برادرانه با تمام جوامع غیر سلطه‌طلب و استکباری و به دور از ستمگری است: «ما با همه دولت‌ها با احترام رفتار می‌کنیم به شرط آنکه آن‌ها هم با ما به احترام رفتار کرده و در امور داخلی ما دخالت نکنند...» (امام خمینی، ۱۹۹۵: ۱۸۷).

۶. اصل حمایت از مستضعفان: این اصل بیانگر تعهد نسبت به مستضعفان است که برآمده از مبانی شرعی مکتب تشیع می‌باشد و به تعبیر امام خمینی^(ع): «مسئولیت دینی مسلمانان در لزوم کمک به همه ستمدیدگان تجسم پیدا می‌کند» (همان: ۱۸۸). در نتیجه: «ما مکلف هستیم که ملت‌های ستمدیده و محروم را نجات دهیم...» (همان: ۱۸۹).

۷. اصل استکبارستیزی: اصل بنیادین عدم‌بارگذاری در مکتب اسلام در قالب نفی ستم و ستمگری یا ظلم و انظلام و به بیان دیگر در جهاد اسلامی تجلی یافته و نقطه مقابل تعهد در برابر مظلوم است. امام خمینی^(ع) در این مورد می‌فرماید: «سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است، سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آن‌هایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آن‌ها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند. این خلاف رأی تمام انبیاست» (همان: ۹۰-۱۵۰)؛ و اینکه: «ما می‌خواهیم این دو کلمه را پیاده کنیم: نه ظالم باشیم و نه مظلوم. ما در طول تاریخ، مظلوم بوده‌ایم. از همه جهت مظلوم بودیم و امروز نمی‌خواهیم مظلوم باشیم؛ و همان‌طور که اسلام به ما فرمان داده است، نمی‌خواهیم به هیچ کشوری تجاوز و ظلم کنیم» (امام خمینی، ۱۹۹۲: ۶۶).

۵. عدم تعهدگرایی نظام جمهوری اسلامی در عمل

ما در بررسی خود دریافتیم که راهبرد عدم‌تعهدگرایی جهانی انقلاب اسلامی ایران، در عرصه عمل از پیروزی انقلاب تاکنون در قالب ۱۰ کنش یا رفتار تجلی یافته است که عبارت‌اند از:

۱. تحقق انقلاب اسلامی با ماهیت مستقل: تحقق انقلاب اسلامی ایران در عین نفی وابستگی و مستقل از دو بلوک قدرت و دو ایدئولوژی مسلط خود، اولین گام عملی عدم‌تعهدگرایی جهانی است. پس نفس وقوع انقلاب اسلامی و پیروزی آن در عمل با توجه به موقعیت آن روز جامعه ایران و استقلال نگرشی - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی انقلاب از لیبرالیسم و سوسیالیسم، تحقق اصل عدم‌تعهدگرایی در عرصه بین‌الملل محسوب می‌گردد. ماهیت انقلاب اسلامی و اساس و محتوای آن را اسلامی بودن تشکیل می‌دهد. این امر بدان معناست که انقلاب اسلامی ذاتاً حرکتی است نامتعهد. این است که گفته شده است: «همان‌گونه که پیامبر اسلام برای پیروزی

انقلاب خود نه بر ابرقدرت روم تکیه کرد و نه بر ابرقدرت ایران، انقلاب اسلامی ایران هم به‌هیچ‌وجه حاضر نشد برای بیرون راندن امپریالیسم بر دروازه سوسیالیسم سجده کند» (مهاجری، ۱۳۶۰: ۶۷).

ایران‌شناس فرانسوی کریستیان برومبِرژه می‌نویسد: «این انقلاب بلاشک تعادل بلوک‌ها (قدرت جهانی) و نیز روابط سلطه اقتصادی و سیاسی را در یکی از طمع برانگیزترین مناطق جهان به‌هم‌ریخته است. این انقلاب مشروعیت روابط بین‌الملل را زیر سؤال برده است...» (Bromberger, 1980: 109). هورکاد ایران‌شناس دیگر نیز گوید: «انقلاب اسلامی ایران به تعبیر ماکسیم رودینسون «فسونگری اسلامی» را زنده کرد و حیاتی دوباره بخشید» (Hourcade, 1985: 138). اسکاچپل نیز گوید: جای تردید و بحث نیست که علل بروز انقلاب ایران با آنچه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین رخ داده، متفاوت بوده و اختلاف فاحشی داشته است (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۳).

۲. صدور انقلاب و دعوت انقلابی: مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران و انتقال ارزش‌های آن به جوامع همسایه و جهان اسلام و مستضعف تنها یک آرمان انقلابی نبود بلکه تلاش‌های عمده‌ای در عمل در جهت صدور این ارزش‌ها به جوامع دیگر صورت گرفت. امام خمینی^(۵) اهمیت و جایگاه صدور انقلاب را بارها مورد تأکید قرارداد. به‌عنوان مثال در یک بیان صریح می‌فرماید: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است؛ و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست؛ و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/۱۴۸).

بر همین اساس در عمل راهبرد صدور ارزش‌های انقلاب بر مبنای عدم‌تعهد‌گرایی جهانی در قالب‌های زیر مطرح گردیده است: الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش (محمدی، ۱۳۸۶: ۷۲) این اقدامات از تبلیغات رسانه‌ای گرفته تا بیانات رهبران انقلاب و تشکیل اجلاس‌ها و نیز حمایت‌های گوناگون از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش را در برمی‌گیرد. یک نمونه بارز عملی آن نامه امام خمینی^(۶) به گورباچف رهبری وقت شوروی است که امام خمینی^(۶) در آن به‌صراحت اعلام کرد: «شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما

را جبران کنند؛ چراکه امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است. جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهند کشید...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲۰/۲۱-۲۲۱).

تمام اقدامات انقلابی در عرصه بین‌المللی به‌نوعی بیانگر صدور انقلاب است. برای نمونه هنری کیسینجر استراتژیست آمریکایی می‌گوید: «پیروزی ایران در جنگ عقاید رادیکالیسم اسلامی را از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد داد» (استمپل، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

۳. عضویت و حضور فعال در جنبش عدم‌تعهد: هرچند ایران قبل از پیروزی انقلاب در کنفرانس باندونگ شرکت کرد ولی «به دلیل پیوستن به پیمان نظامی بغداد نتوانست در نخستین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد، بلگراد ۱۹۶۱، حضور یابد» (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۶۷)؛ زیرا با توجه به ژاندارمی منطقه و وابستگی به بلوک غرب به رهبری آمریکا نمی‌توان ایران دوران پهلوی را نامتعهد دانست بلکه نسبت به غرب دارای تعهد بود. عضویت در پیمان بغداد این تعهد نسبت به غرب را به‌خوبی برملا می‌سازد. همچنین وجود مستشاران نظامی آمریکا در ایران و روابط اقتصادی و نظامی با غرب با پیروزی انقلاب، سقوط شاه و انحلال سنتو و در پی اعلام مواضع سیاسی خارجی ایران مسئله عضویت ایران در جنبش به‌صورت جدی مطرح شد و سرانجام در خرداد ۱۳۵۸، وزارت خارجه ایران اعلام کرد که ایران به جنبش غیرمتعهدها خواهد پیوست... سپس عضویت ایران در جنبش در اجلاس دفتر هماهنگی در کلمبو به تصویب رسید و تصویب نهایی آن به کنفرانس هاوانا ارجاع شد و سه ماه بعد دفتر هماهنگی کارشناسان و سفرای کشورهای غیرمتعهد، عضویت ایران را به‌عنوان هشتاد و هشتمین عضو تصویب کرد (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۶۸).

بنابراین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که عضویت ایران تحقق یافت، اما حضور فعال در آن و تلاش برای تحقق سیاست عدم‌تعهد واقعی در عمل توسط جنبش از سوی ایران از ۱۹۸۱ به بعد مطرح شد. مقام معظم رهبری در ۱۳۶۴ اعلام کرد: «ورود ایران به جنبش عدم‌تعهد با امید و خوش‌بینی و جاذبه‌ای که این جنبش

در دوران مبارزات پیش از انقلاب اسلامی برای ما داشت صورت گرفت و هم‌اکنون نیز ما به آینده غیرمتعهدها خوش‌بین هستیم و معتقدیم که برای تقویت آن باید تلاش جدی و زیادی انجام پذیرد» (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۶۵). در اجلاس غیرمتعهدها نیز موضع حقیقی جنبش را این‌گونه بیان کرد: متأسفانه بعضی از اعضای جنبش عدم‌تعهد اصرار دارند که به قدرت‌های استکباری بقبولانند که این جنبش هیچ‌گونه تهدیدی علیه آنان نیست، ولی ما به‌عکس معتقدیم که قدرت‌های بزرگ بایستی از جنبش غیرمتعهدها حساب ببرند. به‌طوری‌که هرگاه خواستند به کشور کوچکی تجاوز کنند به یاد داشته باشند که ۱۰۱ کشور غیر متعهد در مقابل آنان خواهد ایستاد (همان: ۴۶۸).

پذیرش درخواست میزبانی ایران و ریاست جنبش عدم‌تعهد و برگزاری اجلاس شانزدهم سران در تهران یکی از موفقیت‌های عملی ایران محسوب می‌گردد. مقام معظم رهبری در شانزدهمین اجلاس سران در تهران نیز تأکید کرد: «ما می‌توانیم به ارتقاء «بهره‌وری سیاسی جنبش عدم‌تعهد» در مدیریت جهانی بیندیشیم؛ می‌توانیم برای تحول در این مدیریت، سندی تاریخی تهیه کنیم و ابزارهای اجرایی آن را فراهم نماییم» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20840>).

۴. حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش: نمونه بارز این اقدام، حمایت از جنبش حزب‌الله لبنان، خط مقاومت، حماس، حزب دعوت اسلامی و سایر نهضت‌های آزادی‌بخش است. در همین ارتباط، نماینده ایران در اجلاس ۱۹۸۱ عدم‌تعهدها اعلام کرد حمایت از مبارزات مستضعفین جهان و نهضت‌های آزادی‌بخش در صدر برنامه‌های سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داشته ... (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۹۴).

۵. مقابله با استکبار جهانی: جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌ها و مجامع گوناگون فریاد مبارزه با استکبار جهانی را بارها سر داده است. یکی از این محافل مهم اجلاس‌های جنبش عدم‌تعهد می‌باشد.^۱ برای نمونه رئیس‌جمهور وقت ایران در اجلاس سران در تاریخ ۱۳۶۵ اعلام کرد: پیام بزرگ انقلاب ما به ملت‌های مقتدر آن است که گردن نهادن به نظام سلطه ... خود بزرگترین وسیله سلطه نامشروع است ... (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۴۶۴-۴۶۶) وی در ششم دی‌ماه ۱۳۶۸ با یادآوری سخنرانی خود در کنفرانس

۱. در مورد مواضع اعلامی و بعضاً اعمالی ایران در اجلاس‌های و کنفرانس‌های گوناگون عدم‌تعهد ر.ک.: عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۶۹-۵۳۰ و...

عدم تعهد، در سازمان ملل اظهار داشت:

«چند سال پیش که ما در کنفرانس عدم تعهد در سازمان ملل شرکت کرده بودیم، همین نکته را به مردم دنیا گفتیم. مردم دنیا! رهبران دنیا! امروز بر دنیا نظام سلطه حاکم است. نظام سلطه یعنی این که کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری بکند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. سخنرانی من صددرصد ضد آمریکایی و ضد استکباری بود... این‌ها مبهوت مانده بودند! یکی از همان رؤسای جمهور چپ به من گفت، تنها غیر متعهد در این کنفرانس، ایران است» (خامنهای در: <http://www.masjed.ir/fa/article/393>).

برخی از اقدامات دیگر در این خصوص عبارت‌اند از: لغو قرارداد استعماری ۱۹۵۹ ایران و آمریکا در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۲ توسط شورای انقلاب، اشغال سفارت آمریکا در پی اقدامات جاسوسی علیه انقلاب در ۵۸/۸/۱۳، قطع رابطه با آمریکا، اخراج دبیر اول سفارت شوروی به جرم مبادله اسناد جاسوسی در ۵۹/۴/۱۰ (مهاجری، ۱۳۶۰: ۱۸۶-۱۸۷). از دیگر اقدامات عدم تعهدگرایانه ایران جلوگیری از راه‌یابی پیشنهاد حملات پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه در قالب ماده ۵۱ منشور ملل متحد به سند پایانی اجلاس سران عدم تعهد در ۲۰۰۶ است (موسی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۳۲). در کل، تأثیر انقلاب بر آمریکا به‌گونه‌ای بوده‌است که گری سیک مشاور وقت کاخ سفید می‌گوید: «از هنگام سقوط شهر سایگون هیچ واقعه‌ای به‌اندازه انقلاب ایران، آمریکا را تحت تأثیر قرار نداده است» (عاصف، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ و ویلیام کوانت عضو شورای امنیت آمریکا اعلام کرد: «انقلاب ایران واشنگتن را به وحشت انداخت...» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

۶. اسرائیل ستیزی و نفی صهیونیسم: یکی از ارکان مهم نگرش عدم تعهدگرایی جهانی نفی صهیونیسم، نژادپرستی و مقابله عملی با اسرائیل است. اطلاق غده سرطانی به اسرائیل، اعلام روز جهانی قدس، تعطیل سفارت اسرائیل در ایران، اعتراضات آشکار و مبارزات گسترده با دولت غاصب اسرائیل نمونه‌های عملی تحقق این رکن هستند. همچنین ایران در ۵۹/۵/۲۵ اعلام کرد که با هر کشوری که سفارت خود را در سرزمین اشغالی به بیت‌المقدس انتقال دهد قطع رابطه خواهد کرد (مهاجری، ۱۳۶۰: ۱۸۷).

۷. نقش فعال در تحولات منطقه‌ای و جهانی: عدم تعهدگرایی انقلابی در عمل، پیامدهای گوناگونی را در منطقه و جهان اسلام به دنبال داشته است. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از: کشورهای مثل حوزه بالکان (اجرای شریعت)... اردن به قدرت

رسیدن اسلام‌گرایان در پارلمان، مصر (قدرتمندتر شدن احزاب اسلامی) الجزایر (پیروزی جبهه نجات اسلامی در انتخابات دهه ۹۰) سودان (حاکمیت دولت اسلامی حسن ترابی) (خرمشاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۲) و... یکی از مهم‌ترین اقدامات عملی ایران در ارتباط با مسئله تروریسم می‌باشد. این اقدامات در قالب استفاده از رسانه‌های در اختیار، تبلیغات مثبت، برپایی نمایشگاه‌ها و همایش‌ها، همکاری با نهادهای بین‌المللی مرتبط و برگزاری نشست‌های گوناگون در مورد تروریسم و باهدف تمایز میان جنبش‌های مقاومت و رهایی‌بخش با گروه‌های تروریستی صورت می‌گیرد (ر.ک: روزنامه ایران: ۱۳۸۷/۷/۲۰).

۸. حمایت از مستضعفان: برای نمونه در مورد لبنان در عرصه تبلیغ می‌توان به مواردی چون ایجاد نهادهای تبلیغی گوناگون، فعالیت‌های رایزنی فرهنگی، اعزام هیئت‌های نمایندگی، پذیرش دانشجویان و طلاب و برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی اشاره کرد (خسروشیری، ۱۳۸۷: ۴۱۸). در حوزه حمایت آموزشی - نظامی نیز حضور اولین گروه نیروهای سپاه برای آموزش رزمندگان با موافقت سوریه (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۶۱) و ایجاد اردوگاه‌های آموزشی در دره بقاع (Jaber: 107-108) و در حوزه حمایت مالی می‌توان به ساخت مدارس، مساجد، درمانگاه و بیمارستان (میرباقری، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۷) و... اشاره کرد. حمایت سیاسی در مجامع بین‌المللی نمونه دیگری از اقدامات عملی است. برای مثال نماینده ایران در اجلاس سران عدم‌تعهد در دهلی‌نو در مورد تجاوز شوروی به افغانستان ضمن محکوم کردن آن، تأکید کرد: «خواست ملت افغان مانند خواست همه ملت‌های جهان رهایی از چنگ سلطه‌های خارجی است و صلح و آرامش زمانی در این کشور مستقر خواهد شد که اتحاد جماهیر شوروی دست از تجاوز نظامی در افغانستان بردارد...» (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۴۳۸).

۹. مبارزه با سلطه‌طلبی و تجاوزگری: مبارزه با سلطه‌طلبی و نفی هرگونه تجاوز در سطح منطقه‌ای و جهانی از دیگر اقدامات است. روند حرکت انقلاب اسلامی در عرصه مبارزه با سلطه به‌گونه‌ای بود که صدای غربی‌ها را از همان اوان پیروزی درآورد. لس اسپین رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا گفت: «باید هدف استراتژی آمریکا متوقف کردن ایران در گسترش انقلاب اسلامی بنیادگرای خود به جهان عرب به‌ویژه خلیج‌فارس باشد حتی اگر در این راه استفاده از نیروهای نظامی لازم گردد» (محمدی، ۱۳۸۶: ۹۶). لذا با همین هدف و در جهت تجزیه ایران، جنگ

تحمیلی با حمایت بسیاری از کشورهای غربی و عربی و جز آن شروع شد؛ اما مقابله با سلطه طلبی همچنان ادامه یافت که نمونه بارز آن را در جلوگیری از اهداف سلطه طلبانه عراق در جنگ تحمیلی می توان دید؛ زیرا در این نبرد با تلاش فراگیر و همه جانبه ایران «رهبری رژیم بعث عراق و حامیان منطقه ای و فرمانطقه ای اش به هیچ یک از اهداف سیاسی - نظامی جنگ تحمیلی دست نیافتند...» (صفوی، ۱۳۸۹: ۱۸۹) مهم تر این که «رژیم عراق برای تجزیه ایران و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به ایران لشکرکشی کرد ولیکن تمامیت ارضی ایران حفظ شد...» (همان: ۱۸۹).

۱۰. نفی تعهد نسبت به غرب و عوامل آن: عدم تعهدگرایی انقلابی قبل از همه در «خروج ایران از اردوگاه غرب و عدم ورود به اردوگاه شرق و تقابل اساسی با نظام بین الملل» (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۹) می توان یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران کلیه عناصر خارجی که تا آن زمان ارتش ایران را تحت کنترل خود داشتند اخراج شدند و کلیه پایگاه های نظامی آمریکا که در ایران مستقر بود برچیده شدند (مهاجری، ۱۳۶۰: ۱۷۷). همچنین ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۶ از پیمان سنتو کناره گیری کرد که منجر به انحلال آن پیمان شد (مهاجری، ۱۳۶۰: ۱۸۶). فتوای مرگ سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی از سوی امام خمینی^(ره) و در پی آن معرفی او به عنوان یک مرتد از سوی کنفرانس اسلامی از دیگر اقدامات عدم تعهدگرایانه انقلاب محسوب می گردد (محمدی، ۱۳۸۹: ۷۵).

۶. موارد نقض در عمل

۱. مسئله هسته ای و موافقت نامه برجام: در موضوع انرژی هسته ای عدم تعهدگرایی جهانی به مفهوم آزادی عمل ایران در تأمین انرژی هسته ای صلح آمیز مورد نیاز خود می باشد. همان گونه که رهبری در شانزدهمین اجلاس سران عدم تعهد در تهران مطرح کرد: شعار ما «انرژی هسته ای برای همه و سلاح هسته ای برای هیچ کس» است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و می دانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته ای در چهارچوب معاهده ی عدم اشاعه، به سود همه ی کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20840>). در این جهت هر چند ایران موفقیت هایی به دست آورده (مصلح زاده، ۱۳۸۹: ۳۷۶) اما پذیرش آن پی تی و در نهایت موافقت نامه برجام هر چند

باعث لغو برخی تحریم‌ها شده اما در کل نتوانسته برخی از تحریم‌های اصلی را رفع کند و به‌علاوه تحریم‌های جدیدی نیز مطرح شده است. همچنین از فشار غرب نسبت به ایران و انقلاب اسلامی کاسته نشده است. به‌علاوه بر اساس برخی قرائن نتایج مذاکرات دارای ضعف‌هایی بوده است که منافع ما را به‌خوبی تأمین نمی‌کند بلکه بیشتر به نفع طرف‌های مقابل ماست.

۲. فرهنگ و سلطه و نفوذ فرهنگی: یکی از عرصه‌هایی که به‌نوعی نقض عدم‌تعهدگرایی جهانی انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد برخورداری از موضع انفعالی و بی‌توجهی به تلاش‌های فرهنگی غرب و سایر جوامع به‌ویژه در عرصه مجازی است. نفوذ فرهنگی غرب در رسانه‌ها، هنر، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی، عدم‌تعهدگرایی جامعه پس از انقلاب را زیر سؤال برده و عملاً و به‌طور غیرمستقیم نوعی تعهد در برابر نظام فرهنگی مدرن و دستاوردهای آن ایجاد کرده است. رامسفلد وزیر دفاع وقت آمریکا گفته است: «اگر آمریکا بخواهد از حملات تروریستی آینده جلوگیری کند، باید در جنگ اندیشه‌ها پیروز شود... ما باید به جنگ با اندیشه‌ها برویم و با کسانی که شبکه‌های تروریستی را در سراسر جهان به خدمت می‌گیرند بکنجیم» (کیهان، ۱۳۸۲/۸/۵).

۳. اقتصاد و صنعت وابسته: یکی دیگر از حوزه‌هایی که عدم‌تعهدگرایی و بخصوص اصل خودکفایی در آن به‌ویژه در سال‌های اخیر کمتر موردتوجه قرار گرفته، اقتصاد، صنعت و تجارت می‌باشد. واردات متعدد و حتی واردات کالاهای قاچاق به میزان قابل توجه نه‌تنها نفس خودکفایی و استقلال اقتصادی را زیر سؤال برده بلکه ارزش تولیدات ملی را نیز کاسته است. در جهت نفی این وابستگی مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۷ را سال حمایت از تولید ملی اعلام کرد.

۴. تعهد در برابر سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی: از ۱۳۶۸ به بعد حرکت‌هایی در جهت هماهنگی با نظام بین‌الملل و پذیرش برخی از قواعد نهادهای بین‌المللی صورت گرفته است که می‌تواند قدم‌هایی به‌سوی نقض عدم‌تعهدگرایی انقلابی محسوب گردد. برخی از این حرکت‌ها عبارت‌اند از: قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی (۱۳۷۳/۱/۳۰) یا الحاق به موافقت‌نامه ارتقای حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (شفیعی فر، ۱۳۸۹: ۲۷۲-۲۷۴) در این میان یکی از مهم‌ترین اسناد پذیرفته‌شده، سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ با موضوع ارتقای سطح سواد و افزایش کیفیت آموزش

است که در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵ به تصویب نهایی رسیده است.

نتیجه‌گیری

عدم تعهدگرایی جهانی در سیاست انقلاب اسلامی ایران، بیانگر نوعی بی‌طرفی فعال و مثبت است که در عین نفی تعهد در برابر قدرت‌های مسلط، نوعی ائتلاف و پیوستگی جهانی را برای جلوگیری از بحران‌های بین‌المللی و مبارزه با ستم و سلطه‌طلبی می‌رساند. انقلاب اسلامی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نگرش نامتعهدانه در برابر بلوک قدرت و نظام سلطه و استکبار جهانی را مطرح ساخته است به‌گونه‌ای که از یکسو نامتعهد بودن را در برابر تعهد نسبت به اسلام و حق می‌داند و از سوی دیگر بر استقلال و نفی وابستگی از هر نوعی تأکید دارد. برجسته‌ترین تعبیر از سیاست عدم تعهدگرایی جهانی در اندیشه انقلاب اسلامی سیاست نه شرقی - نه غربی است که از جهان‌بینی و شریعت اسلامی نشأت گرفته و بیانگر صراط مستقیم الهی است. به‌طور کلی، انقلاب اسلامی ایران در نظر متکی بر نگرش عدم تعهدگرایی جهانی به مفهوم حفظ استقلال و نفی وابستگی و نبود التزام و تعهد در برابر قدرت‌ها و بی‌طرفی مثبت و حضور فعال برای مبارزه با استکبار در سیاست جهانی است که در عین ذو ابعاد بودن متکی بر اصول بنیادین شرعی اسلام بوده و در هر عصری از ضروریات انقلاب اسلامی است.

برهمن اساس اصول نظری عدم تعهدگرایی جهانی انقلاب اسلامی عبارت‌انداز: نفی سیاست‌های جهانی سلطه محور، استقلال به معنای توانایی تصمیم‌گیری و اقدام آزادانه و بدون دخالت بیگانه، خودکفایی در جهت تأمین نیازهای جامعه، سیاست نه شرقی - نه غربی، تعهد در برابر جوامع برابر و هم‌آرمان و استکبارستیزی.

تحقق این اصول در عرصه عمل در قالب رفتارهایی چون: ماهیت مستقل انقلاب اسلامی، صدور ارزش‌های انقلاب در قالب: الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت، حضور فعال در جنبش عدم تعهد، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، مقابله با استکبار جهانی، اسرائیل‌ستیزی، نقش فعال در تحولات منطقه‌ای و حمایت از مستضعفان، نفی سلطه‌طلبی و نفی تعهد نسبت به غرب و عوامل آن تحقق یافته است.

منابع

- قرآن کریم
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*. تهران: نشر نی.
- آشوری، داریوش (۱۳۶۶). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید و سهروردی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق.). *لسان‌العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- استمپل، جان د. (۱۳۷۸). *درون انقلاب ایران*. ترجمه منوچهر شجاعی، چاپ دوم، تهران: رسا.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). *از مقاومت تا پیروزی*. تهران: اندیشه‌سازان نور و ذکر.
- افروغ، عماد (۱۳۹۴). «انقلاب اسلامی و قدرت نرم». در: جمعی از نویسندگان، *انقلاب اسلامی و نظریه‌ها*، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و دفتر نشر معارف.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۵). *رخ اندیشه، روش‌شناسی شناخت اندیشه‌های سیاسی*. تهران: کلبه معرفت.
- *وسائل‌الشیعه*. ۳۰ ج، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه آل‌البیت^(ع) لاحیاء‌التراث.
- حسینی ترکستانی، امیرحسین (بهار ۱۳۸۹). «قاعده نفی سبیل اصل حاکم بر سیاست خارجی». *کوثر معارف*، سال ششم، شماره ۱۳.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۲). *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۰). *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- خسروشیری، علی (۱۳۸۹). «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان». *درآمد*، جلد اول: سیاست، تهران: نهاد رهبری در دانشگاه تهران.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۶۱). *صحیفه امام*. ج. ۲۲. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۷). *تحریرالوسیله*. ترجمه علی اسلامی، ۴ ج، قم: انتشارات اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. ج. ۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۹۹۲ م.). *حدیث پیروزی*. بیروت: واحد تبلیغات حزب‌الله.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۹۹۵ م.). *کلمات قصار*. یکپارچگی فرهنگی، بیروت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). «بازتعریف انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی در پرتو تحولات بیداری اسلامی». جمعی از نویسندگان، *انقلاب اسلامی و نظریه‌ها*، تهران: نهاد نمایندگی رهبری و دفتر نشر معارف.
- رحیم‌صفوی، سید یحیی (۱۳۸۹). «مدیریت هشت سال دفاع مقدس در جنگ تحمیلی ابرقدرتها

- علیه ایران». *درآمد*، جلد اول: سیاست، تهران: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران.
- *روزنامه ایران*، ۱۳۸۷/۷/۲۰.
- *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۲/۸/۵.
- شفیعی فر، محمد (۱۳۸۹). «سیاست خارجی ایران از انطباق تا ادغام». *درآمد*، جلد اول: سیاست، تهران: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران.
- عاصف، حسین (۱۳۸۰). *تحریم ایران شکست یک سیاست*. ترجمه محمد متقی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عبدالرشیدی، علی اکبر (۱۳۹۰). *جنبش عدم‌تعهد*. چاپ دوم، تهران: سروش.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. تهران: کتاب طویی.
- کنت، آرتور (۱۳۶۵). *یالتا یا تقسیم جهان*. ترجمه محمود طلوعی، تهران: هفته.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مصلح‌زاده، مصطفی (۱۳۸۹). «ایران، ملل مسلمان و نظام سلطه برجهان». *درآمد*، جلد اول: سیاست، تهران: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی معین*. ۶ ج، چاپ یازدهم، تهران: امیر کبیر.
- موسی‌زاده (۱۳۸۵). *اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- میرباقری، یزدان (۱۳۸۲). *حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان*. تهران: اندیشه‌سازان‌نور.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸ ه. ق). *فلسفتنا*. چاپ دوم، قم: مجمع علمی شهید صدر.
- کاول، ب. ن. (۱۳۶۵). *افق‌های نوین جنبش عدم‌تعهد*. ترجمه علی آذرنگ، تهران: نشر روز.
- مهاجری، مسیح (۱۳۶۰). *انقلاب اسلامی راه آینده ملت‌ها*. تهران: انتشارات روح.
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۹۲). «قاعده نفی سلطه و مستندات آن». *یاسد/اسلام*، شماره ۳۸۴، آذر و دی.
- Bromberger münchen, "Islam et Revolutionen Iran", *Revue del occident Musulman et la Mediterranee*. N.29.
- **Head of State and Government of the Non-Aligned Countries**, Government of Zaire. 14-16 May 1996. Retrieved 24 April 2011.
- Hourcade, Bernarde (1985). **Iran: Revolution Islamique ou Tiers- mondiste**, Herodote. 36, Janvier-mars.
- <http://www.masjed.ir/fa/article/393>.
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20840>.

- <http://www.masjed.ir/fa/article/2989>.
- Jaber, Hala (1997). **Hezbollah: Born with Vengeance**. New York: Columbia University.
- Kamrava, Mehran and Manochehr Dorraj (2008). "Iran Today". **an Encyclopedia of Life in the Islamic Republic**, Vol.1, London: Greenwood Press.
- Laskar, Rejaul Karim (June 2004). "Respite from Disgraceful NDA Foreign Policy". **Congress Sandesh**, 6 (10).
- Martin, Vanessa (2003). **Creating an Islamic State; Khomeini and the Making of a New Iran**, London: I.B.Tauris & Co Ltd.
- **Meeting of the Ministerial Committee on Methodology of the Movement of the Non-Aligned Countries**, Caratagena de Indias, May 14–16, 1996".
- Ohlson, Thomas (1988). "Stockholm International Peace Research Institute". **Arms Transfer Limitations and Third World Security**. Oxford: Oxford University Press.